

# جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

## ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

### غربت ، نتیجه خیانت و ساده لوحی

جلسه پرسش و پاسخ دانش آموزان با مربی خود که مربی با اشاره به خیانت سرباز آلمانی می گوید

مربی: من امروز می خواهم از غربت و تنهایی رهبر یک کشور اسلامی برایتان بگویم  
بعدا پاسخ به سوالات انشا... و از مهدی می خواهم نمایش کمدی سرباز را با  
دوستانش بازی کند

مهدی: آقا خیلی تمرین نکردیم و فکر نمی کنم کار نمایش خوب در بیاد  
مربی: خوب اجرا کنید در قالب تمرین و هم جدی بچه ها می دانند خیلی وقت  
نداشتید

مهدی: پس آقا موزیک متن را بذارید ما شروع کنیم

موزیک متن ... پخش می شود

سرباز آلمانی : قربان من چند شب است می روم به سمت سنگر های دشمن و یک  
سلاح با خود می آورم بدون اینکه جنگ و درگیری رخ دهد  
فرمانده : آختن پاختن، آفرین سرباز اینکار رو ادامه بده و بدان من هم برای هر سلاح  
به تو مرخصی تشویقی می دهم

سرباز: بله فرمانده پاختن آختن

فرمانده: ضمنا فردا صبح باید بروی صبحگاه ستاد فرماندهی

سرباز: چرا فرمانده، مگر چه خطایی از من سرزده

فرمانده: نه تنها خطایی نکردی بلکه فرمانده ستاد می خواهد از شجاعت تو در جمع

لشکریان آلمانی قدردانی و تجلیل بجا آورد

سرباز: چشم قربان اول صبح خودم را به ستاد فرماندهی معرفی خواهم کرد

**مراسم صبحگاه** – (جواد صدای شیپور صبحگاه را به دهان خود در می آورد)

فرمانده میدان: بجای خود ایست خبردار های هیتلر

فرمانده: آزاد... شاختن داختن... آفی در هازن آی های هیتلر

فرمانده میدان: قربان خیلی خوش آمدید، اگر صلاح بدانید امروز مدال شجاعت

سرباز یو آخین ساده هازن را اهدا فرمایید

فرمانده: اشکالی نداره، بگو ساده هازن بیاید جلو

سرباز پاکوبیده و جلو می آید... احترام نظامی های هیتلر

فرمانده: سرباز یو آخین ساده هازن شنیدم هر شب تعدادی اسلحه پیشرفته دشمن را

بدون خونریزی و درگیری از جبهه دشمن می آوری

یوآخین: قربان فقط یک سلاح آنهم قدیمی برنو...

فرمانده: باز هم خوبه برو پشت میکروفون و راز این عملیات پیچیده را برای حاضرین بگو

یوآخین: قربان اطاعت، البته خیلی پیچیده نبود

فرمانده: کارت نباشه کاملاً توضیح بده

یوآخین: ای لشکریان شجاع آلمان، درود بر هیتلر و هر آلمانی نازی (دست خود را به نشان آلمانی بالا می برد های هیتلر) من یوآخین ساده هازن هر شب یک دستگاه تانک پیشرفته تی ۱۴۰۰ به سربازان دشمن تحویل داده و بجای آن یک سلاح قدیمی برنو می گرفتم

فرمانده (خیلی عصبانی): سرباز تو یک دستگاه تانک پیشرفته تی ۱۴۰۰ می دادی و یک سلاح برنو می گرفتی

یوآخین: بله قربان، های هیتلر خیلی هم افتخار می کردم، اما نمی دانم چرا آنها به من می خندیدند

فرمانده مدال افتخار و شجاعت را از او گرفت و گفت: همین الان اعدامش کنید  
مربی: آفرین مهدی آفرین بچه ها نمایش شما کاملاً بیانگر ساده یا خائن بودن برخی

افراد در زمان امام خمینی ( رحمت ا... علیه) بود که مثل سرباز ساده هازن رفتار می کردند

مهدی: تانک می دادن و سلاح برنو می گرفتن

مربی: بله واقعا ساده بودن ، بطور مثال وقتی حضرت امام می گفتند که نباید قطعنامه صلح ۵۹۸ را پذیرید مسئول اصلی جنگ می گفت که من بیشتر نگران حزب اللهی هستم که بعد از قبول قطعنامه در اعتراض به اتمام جنگ شورش کنند و از صدام اصلا نگران نیستم چون صدام زیر قولش نمی زند !

جواد: آقا امام چرا نگران پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بودند

مربی: امام می گفتند که نیروهای ما بسیجی و مردمی اند و وقتی قطعنامه پذیرفته شود به شهرهای خود بر می گردند اما نیروهای صدام نظامی هستند و از ۲۲ کشور دنیا به عراق آمده اند و با نیروهای عراقی همکاری می کنند

مهدی: چه فرقی می کند آقا جبهه های ما اگر از نیرو خالی می شد و نیروهای صدام باقی می ماند باز هم اتفاقی نمی افتاد چون قطعنامه اجازه هیچ حرکتی به صدام نمی داد...

جواد: راست میگه آقا صلح شده و دیگر اتفاقی نمی افتاد

مربی: بله نگرانی امام درست بود وقتی جبهه های ما بعد از قطعنامه خالی شد ، صدام

دوباره حمله کرد و درست مثل اول جنگ و حتی بیشتر از قبل سرزمین های ما را اشغال کرد، اتفاقی افتاد! از نوع درست و حسابیش هم افتاد و ساده دلان فریب صدام را خوردند نه یک بار بلکه ۱۰۰۰ بار!

مهدی: آقا واقعا اینطور شد

مربی: بله امام نگران فرزندان حزب اللهی اش نبود نگران دشمن بود و پیش بینی امام درست از آب در آمد ولی آقایان بجای اینکه نگران دشمن باشند نگران دوست بودند ، تشخیص دوست و دشمن برایشان سخت بود

جواد : در حالیکه مسئول اصلی جنگ در ایران بجای نگرانی از دشمن نگران نیروهای رزمنده خودی بود و مثل سرباز آلمانی به دشمن تانک می داد و اسلحه برنو می گرفت

مربی: بله همین طور بود البته برنو هم نمی گرفت ! تازه سال های آخر جنگ به امام می گفتند ما یک و دو سال حمله نداشته باشیم و امام می گفت نه سرباز اگر تحرک نداشته و حمله و دفاع نداشته باشد روحیه اش را از دست می دهد ، باید تدارک عملیات داشته باشید

مهدی: بله من هم این حرف حضرت امام (ره) را شنیده بودم و به همین خاطر عملیات ایدائی و کوچک در دستور کار قرار گرفت

جواد: آقا واقعا امام یک نظامی کار کشته و یک سیاستمدار مجرب بودند

مربی: بله امام خمینی (ره) یک رهبر کامل و شش دانگ بودند نه تنها مرجع تقلید بودند بلکه یک نظامی قهار و سیاستمداری محمدی و علوی بودند

مهدی: آقا واقعا مسئول اصلی جنگ اینقدر به نیروهای رزمنده خودی بدبین و به صدام خوش بین بوند

مربی: بله متأسفانه آنقدر به صدام اعتماد کرده و می کرد که قطعنامه را عامل موفقیت می دانست و تنها مانع آنرا نیروهای خودی می دانست در حالیکه امام پیش بینی می کرد که صدام دوباره به ما حمله می کند

مهدی: چرا امام (ره) به صدام و حامیانش اعتماد نداشت

مربی: امام دشمن شناس بود و خوب یزید و یزیدیان و مکرشان را می شناخت و هیچ وقت به دشمن اعتماد نمی کرد بر خلاف عده ای که فقط خودی ها را بی سواد و خائن می دانند، هیچ وقت به آمریکا و ازناش و صدام اعتماد نمی کرد و فقط از خدا می ترسید و باکی از کسی نداشت

مهدی: آقا مقام معظم رهبری هم درست مثل امام هستند و مثل کوه در مقابل دشمن ایستادند

جواد: علیرغم ساده لوحی عده ای بار اول در قضیه انرژی هسته ای ایستادگی کردند

و فوری وقتی کلاه سر دبیر امنیت ملی رفت دستور داد انرژی هسته ای ایران دوباره  
بکار انداخته شود و فک پولم صورت پذیرد

مربی: بله درسته الان هم عده ای تلاش می کنند به دشمن اعتماد کنند و طوری  
وانمود کنند که نیروهای خودی و ارزشی مانع موفقیت آنها هستند

مهدی: یعنی باز داستان قطعنامه ۵۹۸ و اعتماد به دشمن و بی اعتمادی به خودیها

مربی: بله امروز هم عده ای تانک می دهند و حتی یک اسلحه برنو هم نمی گیرند باز  
سرباز یوآخین ساده هازن که لااقل یک برنو گرفت

مهدی: آقا ظاهرا عده ای هوای به قدرت رسیدن دارند و ولایت فقیه مانع آنهاست و  
دشمن حامی آنها و گر نه چه ضرورتی دارد که با دشمن اینقدر صمیمی هستند و با  
خودی اینقدر سختگیر و فحاش برخورد کنند

معلم: ا... اعلم خدا می داند ، برخی آنقدر به دشمن وفا دارند که به خودشان خیانت  
می کنند؟

جواد: یعنی برخی افراد آنقدر به دشمن وفادار می شوند که به خودی خیانت میکنند؟

مربی: شاید به دلیل ساده لوح بودن شان باشد، مثل سرباز یوآخین ساده هازن ، شاید  
هم دستشان تو دست دشمن است و می خواهند به قدرت برسند ، یا اینکه مثل طلحه

و زیر هستند علاوه بر قدرت طلبی و دنیا پرستی عدالت علی (ع) نیز برایشان غیر قابل تحمل باشد

مهدی: مگر امام (ره) نمی گفتند پشتیبان ولایت فقیه باشید تا مملکت آسیب نبیند  
مربی: فعلا که هم جایگاه ولایت فقیه و هم شخص ولایت فقیه را قبول ندارند ، خدا  
آخر عاقبت همه ما را ختم به خیر کند

جواد: هم امام (ره) و هم رهبر معظم انقلاب با هدایت های الهی کشور را به علم و  
دانایی و حتی تولید علم رساندند و در اکثر امور تخصصی و فنی جز چند کشور اول  
دنیا هستیم ، پس آنها مخالف پیشرفت ایران هستند

مربی: چه عرض کنم گفتم که چشمان خود را روی پیشرفتهای شگرف و فوق العاده  
بستند و می گویند ما فقط قرمه سبزی خوب درست می کنیم و این همه دستاوردهای  
علمی را مثل نانو ، انرژی هسته ای ، سلولهای بنیادی ، سد سازی ها ، نیروگاه سازهیها  
داروهای نو ترکیب و صنایع موشکی و نظامی و .... را نادیده می گیرند

مهدی: ظاهرا خیلی غربگرا هستند و اروپا و امریکا را بیشتر از خودی ها قبول دارند  
مربی: کسی که نقش خدا را تو زندگی اش حذف کند بی گمان دشمن را بزرگتر از  
خدا می بیند ، در حالیکه خدا خالق بشر است و وعده های الهی بی گمان تحقق پذیر  
است فقط ما باید ایمان درست و حسابی داشته باشیم و اعتقادات مذهبی را در  
خودمان تقویت کنیم.... برای امروز کافیه